

🔗 **آمریکازدایی چه نسبتی با اخراج آمریکا از منطقه دارد که پیش از این از سوی رهبر انقلاب بیان شده بود؟**

با همه کمک‌هایی که رژیم جعلی صهیونیستی از ابتدای اشغالگری‌اش تا به امروز از آمریکا گرفته، با همه تعهدی که مقام‌های آمریکایی ازجمله رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور سابق و همه رؤسای جمهورشان نسبت به اسرائیل دارند مخاطب احساس می‌کند این تعهد را شاید کمتر به کشور خودشان داشته باشند، چون یک کارهایی در حوزه نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی ضعف آمریکا کاملاً مشهود است. در حوزه تبلیغاتی واقعا رسانه‌های آمریکایی و رسانه‌های دیگر کشورهای غربی خیلی سعی کردند به رژیم صهیونیستی کمک کنند تا چهره جنایتکارش را نظهر کنند اما ناموفق بودند.



هر هفته تظاهرات گسترده‌ای در کشورهای غربی و هم در جاهای دیگر دنیا برگزار می‌شود که یک شکست تبلیغاتی بزرگ برای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌هاست و با ابزارهای مختلفی هم که داشتند، نتوانستند این شکست را ترمیم کنند.

از این جهت هیمنه تبلیغاتی و رسانه‌ای‌شان، دچار جالش شده و الان نه تنها دولت بایدن و دولت فعلی انگلیس و دیگر کشورهای غربی زیر سؤال رفتند، بلکه تمدن غرب همان طور که رهبر انقلاب اشاره کردند بی‌پروشه است.

آن فرهنگی که نه تنها اجازه یک چنین جنایتی را می‌دهد و با حمایت همه جانبه صحنه را مدیریت می‌کند، یعنی زیر سؤال رفتن تمدن و فرهنگ غربی.

بعد از فروپاشی شوروی عده‌ای در غرب گفتند که این ایدئولوژی کمونیستی دیگر کارکرد ندارد. ایدئولوژی لیبرال دموکراسی تا پایان تاریخ، بشر را مدیریت خواهد کرد.

الان کمتر فردی در دنیا می‌تواند بپذیرد تمدنی که به‌راحتی در چند هفته بیش از ۵۰۰۰ کودک را می‌کشد، برای آینده بشر بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

گذشت ۵۰ روز از عملیات طوفان الاقصی یعنی یک دوره غرب‌شناسی و یک دوره آمریکا‌شناسی. غرب واقعی و آمریکای واقعی بدون روتوش، یعنی فرهنگ غربی و فرهنگ آمریکایی؛ همین چیزی که در غزه مشاهده می‌شود.

صهیونیست‌ها با پشتیبانی آمریکا بیش از ۱۵ هزار زن و کودک و انسان بیگناه را در غزه کشتند و این ممکن است برای افراد جنایتکار خوشایند باشد، ولی هرچه بیشتر جنایت می‌کنند بیشتر آبروی‌شان در دنیا می‌رود و ماهیت غرب بیشتر شناخته می‌شود و آینده لیبرال دموکراسی غربی بیشتر زیر سؤال می‌رود.

🔗 **تحقق آمریکازدایی چه تاثیری در آینده منطقه غرب آسیا خواهد داشت؟**

اثرات موضوع آمریکازدایی تا قبل از عملیات طوفان الاقصی هم مشهود بود و بخشی از روند اخراج آمریکا محقق شده بود. چه در ایران و چه سایر محورهای مقاومت از جمله عراق، سوریه، یمن، لبنان و... این اتفاق افتاده بود اما بعد از عملیات طوفان الاقصی این روند تسریع شده است و این روند آمریکازدایی باید تکمیل شود تا مردم منطقه بتوانند فضای تنفس پیدا کنند.

غرب آسیا منطقه بسیار ثروتمندی است که در ۸۰-۷۰ سال گذشته با دو مشکل اساسی مواجه بوده است. یک وجود آمریکادار در منطقه و دوم جریان‌های آمریکاگرا و غرب‌گرا که در بعضی از این کشورهای مسلمان با کمک آمریکا سلطه پیدا کردند.

افول آمریکا و آمریکازدایی از این منطقه در نهایت منطقه را به یک محیط قابل زیست تبدیل خواهد کرد که با استفاده از منابع غنی انسانی و نیز منابع غنی طبیعی و زیرزمینی، آینده‌ای شکوفاتر و آرام‌تر را ان شاء... شاهد خواهد بود.



گفت‌وگو با فواد ایزدی کارشناس مسائل آمریکا

غرب آسیای جدید به نفع مقاومت به ضرر آمریکا

حمایت از رژیم صهیونیستی بود؛ هرچه بتواند او را قوی کند، دست‌وپال او را باز کند، دیگران را تشویق کند به این‌که با او ارتباط برقرار کنند. البته این سیاست قدیمی است، مال ده‌ها سال پیش است؛ از یکی دو دهه پیش، این سیاست را تشدید کردند، رفتند سراغ افغانستان، رفتند سراغ عراق و با اشغال اینها می‌خواستند تسلط پیدا کنند، [اما] نتوانستند. امروز سیاست و جهت‌گیری در این منطقه آمریکازدایی است. یکی از نشانه‌های واضح و بارزی که امروز جلوی چشم‌هاست، همین طوفان الاقصی است. بله، این طوفان الاقصی علیه رژیم صهیونیستی است اما آمریکازدایی است؛ این حادثه تاریخ‌ساز. به معنای واقعی کلمه، حادثه طوفان الاقصی یک حادثه تاریخ‌ساز بود؛ توانست جدول سیاست‌های آمریکا در این منطقه را به هم بریزد و ان‌شاء... [اگر] این طوفان ادامه پیدا نکند، جدول سیاست آمریکا در منطقه را مخو خواهد کرد. «۱۴۰۲/۰۹/۰۸» به همین مناسبت فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگویی به بررسی نشانه‌ها و تأثیرات آمریکازدایی از منطقه غرب آسیا پرداخته است.

دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و قدرت آمریکایی‌ها در این منطقه از کسی، دولتی یا کشوری نمی‌تواند حفاظت کند. اگر حمایت آمریکا برای حفاظت از جایی کافی بود، رژیم صهیونیستی در وضعیتی که الان دارد قرار نمی‌گرفت و این طور ضربه نمی‌خورد.

🔗 **در مقایسه با دهه‌های قبل نفوذ و سلطه آمریکا در غرب آسیا چه وضعیتی دارد و عملیات طوفان الاقصی چه تاثیری بر این موضوع گذاشته است؟**

در حال حاضر نکته قابل توجه این است که سلطه گذشته آمریکا در منطقه دیگر وجود ندارد و در برخی از کشورها هم به سبک سابق دیگر خبری از آن سلطه نیست. خیلی از این کشورهایی که در منطقه ما هستند متوجه شدند که اولاً وابستگی صددرصدی و تسلیم آمریکا بودن کار عاقلانه‌ای نیست.

دوماً تمام تلاش و هم‌وغم آمریکایی‌ها این است که سلطه خودشان را حفظ کنند؛ منتها آن روند افول آمریکا که رهبر انقلاب هم به دفعات مورد تأکید قرار داده بودند، در حال رخ‌دادن است و عملیات طوفان الاقصی این روند افول را تسریع کرده است.

به عبارت بهتر، عملیات طوفان الاقصی نه تنها ضعف‌های ریشه‌ای و گسترده رژیم صهیونیستی را برملا کرد که ضعف‌های آمریکا را نیز عیان کرد. به دلیل این‌که در این موضوع، رژیم صهیونیستی با آمریکا قابل تفکیک نیستند. نه در حوزه نظامی تفکیکی بین نظامیان اسرائیلی و آمریکایی وجود دارد و نه در حوزه اطلاعاتی، در حوزه سیاسی و فرهنگی نیز همین مصداق وجود دارد.

بنابراین افول آمریکا دارد تسریع می‌شود و این افول به کاهش سلطه آمریکا منجر شده؛ یعنی حرف و اقدام آمریکا دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و کشورها دارند مسیرهای دیگری را برای خودشان پیدا می‌کنند. اگرچه ممکن است روابط اقتصادی و سیاسی‌شان با آمریکا ادامه پیدا کند، اما آن تمکینی که کشورهای منطقه قبلاً نسبت به دستورات آمریکا داشتند یا دیگر نیست یا خیلی کم شده است.

🔗 **تشکیل خاورمیانه جدید یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های آمریکا در این منطقه بود و در سال ۲۰۰۶ آن را اعلام هم کردند. جریان مقاومت چه نقشی در شکست این نقشه آمریکا ایفا کرده است؟**

همان طور که اشاره کردم شرایط به گونه‌ای تغییر کرده که برای آمریکایی‌ها بسیار سخت است بتوانند نظر خودشان را در منطقه جا بیندازند و این تغییر به برکت مقاومت است. در بیانات رهبر انقلاب نیز به قدرت گرفتن مقاومت و تغییر نقشه سیاسی غرب آسیا اشاره شد و یک غرب‌آسیای دیگری را ما شاهد هستیم.

همان طور که در جنگ ۳۳ روزه با حزب... در سال ۲۰۰۶، تصور آمریکایی‌ها این بود که در مقابله با حزب... به پیروزی می‌رسند و خاورمیانه جدیدی را می‌توانند رقم بزنند. در عملیات اخیر حماس هم چنین تصویری وجود داشت اما در عمل اتفاقی که افتاده این است که غرب آسیای جدیدی شکل گرفته منتها به ضرر آمریکا و به نفع مقاومت. این نکته مهمی است که اتفاق افتاده و اصطلاح آمریکازدایی که امروز استفاده شد، اصطلاح جدید و مناسبی هست برای توضیح اتفاقاتی که این روزها دارد رخ می‌دهد. آمریکایی‌ها هرچقدر هم تلاش کنند به جایگاه قبلی برنمی‌گردند و یکی از منافعی که شکست اخیر آمریکایی‌ها برای منطقه دارد، به این منجر می‌شود که برخی از دولت‌های منطقه هم متوجه جدی و حتمی بودن موضوع افول آمریکا شوند و با عملیات طوفان الاقصی آن وابستگی و تسلیم که به تدریج داشت ایجاد می‌شد در روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل که در اذهان برخی دولت‌ها شکل گرفته بود، ضربه سنگینی خورد.

🔗 **تشکیل خاورمیانه جدید، یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های آمریکا در این منطقه بود و در سال ۲۰۰۶ آن را اعلام کردند. جریان مقاومت چه نقشی در شکست این نقشه آمریکا ایفا کرده است؟**



کشورهای منطقه می‌توانند با سایر کشورهای دیگر در سراسر دنیا دیپلماتیک داشته باشند یا مثلاً روابط اقتصادی همه‌جا مرسوم هست و با آمریکا هم می‌شود روابط اقتصادی برقرار کرد اما آن چیزی که نسبت به گذشته تغییر کرده، این است که یک زمانی آمریکایی‌ها سلطه کاملی در این منطقه داشتند. قبل از فروپاشی شوروی تعداد قابل‌توجهی از کشورهای منطقه بدون اجازه آمریکا کاری نمی‌کردند و سلطه آمریکا در این کشورها کامل بود. بعد از فروپاشی شوروی آن کشورهایی که کم‌وبیش در این منطقه همراه و همسوا با شوروی بودند، آنها هم غالباً با آمریکا همراه شدند. یک نمونه آن یمن است که این اتفاق برایش رخ داد.

همان طور که اشاره کردم، شرایط به‌گونه‌ای تغییر کرده که برای آمریکایی‌ها بسیار سخت است بتوانند نظرشان را در منطقه جا بیندازند و این تغییر به برکت مقاومت است. در بیانات رهبر انقلاب نیز به قدرت گرفتن مقاومت و تغییر نقشه سیاسی غرب آسیا اشاره شد و یک غرب آسیای دیگری را ما شاهدیم.

همانطور که در جنگ ۳۳ روزه با حزب... در سال ۲۰۰۶، تصور آمریکایی‌ها این بود که در مقابله با حزب... به پیروزی می‌رسند و خاورمیانه جدیدی را می‌توانند رقم بزنند. در عملیات اخیر حماس هم چنین تصویری وجود داشت اما در عمل اتفاقی که افتاده این است که غرب آسیای جدیدی شکل گرفته منتها به ضرر آمریکا و به نفع مقاومت.

این نکته مهمی است که اتفاق افتاده و اصطلاح آمریکازدایی که امروز استفاده شد، اصطلاح جدید و مناسبی است برای توضیح اتفاقاتی که این روزها رخ می‌دهد. آمریکایی‌ها هرقد هم تلاش کنند به جایگاه قبلی برنمی‌گردند و یکی از منافعی که شکست اخیر آمریکایی‌ها برای منطقه دارد، منجر به این می‌شود که برخی دولت‌های منطقه هم متوجه جدی و حتمی بودن موضوع افول آمریکا شوند و با عملیات طوفان الاقصی، آن وابستگی و تسلیم که به تدریج ایجاد می‌شد و روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل که در اذهان برخی دولت‌ها شکل گرفته بود، ضربه سنگینی خورد.

🔗 **آمریکازدایی چه نسبتی با اخراج آمریکا از منطقه دارد که پیش از این از سوی رهبر انقلاب بیان شده بود؟**

با همه کمک‌هایی که رژیم جعلی صهیونیستی از ابتدای اشغالگری‌اش تا به امروز از آمریکا گرفته، با همه تعهدی که مقام‌های آمریکایی ازجمله رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور سابق و همه رؤسای جمهورشان نسبت به اسرائیل دارند که مخاطب احساس می‌کند این تعهد را شاید کمتر به کشور خودشان داشته باشند، چون یکی از کارهایی آمریکازدایی به این معنی است که حرف آمریکایی‌ها

🔗 **کلیدواژه آمریکازدایی که از سوی رهبر انقلاب طرح شد به بروز چه تحولی در منطقه غرب آسیا اشاره دارد و چه تغییراتی در سیاست‌ها و رفتار دولت‌های منطقه درباره سیاست‌های آمریکا بروز یافته است؟**

اصطلاح آمریکازدایی شاید پیش از این استفاده نشده بود و نکته‌ای که واقعیت دارد و البته رهبر انقلاب هم بیشتر به آن اشاره کرده بودند، پایان سلطه آمریکا در منطقه غرب آسیاست.

کشورهای منطقه می‌توانند با سایر کشورهای دیگر در سراسر دنیا روابط دیپلماتیک داشته باشند یا مثلاً روابط اقتصادی همه‌جا مرسوم هست و با آمریکا هم می‌شود روابط اقتصادی برقرار کرد اما آن چیزی که نسبت به گذشته تغییر کرده، این است که یک زمانی آمریکایی‌ها سلطه کاملی در این منطقه داشتند. قبل از فروپاشی شوروی تعداد قابل‌توجهی از کشورهای منطقه بدون اجازه آمریکا کاری نمی‌کردند و سلطه آمریکا در این کشورها کامل بود. بعد از فروپاشی شوروی آن کشورهایی که کم‌وبیش در این منطقه همراه و همسوا با شوروی بودند، آنها هم غالباً با آمریکا همراه شدند. یک نمونه آن یمن است که این اتفاق برایش رخ داد.

اصطلاح زدودن یک بار معنایی دارد. این اصطلاح درواقع همان شیطان‌زدایی است که در بیانات حضرت امام خمینی رحمه... هم بود که آمریکا شیطان بزرگ است. وقتی در یک منطقه‌ای نفوذ آمریکا کاهش پیدا می‌کند، افولش تسریع خواهد شد و آن منطقه به سمت آمریکازدایی حرکت می‌کند.

آمریکازدایی به این معنی است که حرف آمریکایی‌ها دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و قدرت آمریکایی‌ها در این منطقه از کسی، دولتی یا کشوری نمی‌تواند حفاظت کند.

اگر حمایت آمریکا برای حفاظت از جایی کافی بود، رژیم صهیونیستی در وضعیتی که الان هست، قرار نمی‌گرفت و این طور ضربه نمی‌خورد.

🔗 **در مقایسه با دهه‌های قبل نفوذ و سلطه آمریکا در غرب آسیا چه وضعیتی دارد و عملیات طوفان الاقصی چه تاثیری بر این موضوع گذاشته است؟**

در حال حاضر نکته مهم این است که سلطه گذشته آمریکا در منطقه دیگر وجود ندارد و در برخی کشورها هم به سبک سابق دیگر خبری از آن سلطه نیست.

خیلی از این کشورهای منطقه، متوجه شدند که اولاً وابستگی صددرصدی و تسلیم آمریکا بودن کار عاقلانه‌ای نیست، دوماً تمام تلاش و هم‌وغم آمریکایی‌ها این است که سلطه خودشان را حفظ کنند منتها آن روند افول آمریکا که رهبر انقلاب هم به دفعات مورد تأکید قرار داده بودند در حال رخ‌دادن است و عملیات طوفان الاقصی این روند افول را تسریع کرده است.

به عبارت بهتر، عملیات طوفان الاقصی نه فقط ضعف‌های ریشه‌ای و گسترده رژیم صهیونیستی را آشکار کرد، بلکه ضعف‌های آمریکا را نیز عیان کرد. به دلیل این‌که در این موضوع، رژیم صهیونیستی با آمریکا قابل تفکیک نیست. نه در حوزه نظامی تفکیکی بین نظامیان اسرائیلی و آمریکایی وجود دارد و نه در حوزه اطلاعاتی و در حوزه سیاسی و فرهنگی نیز همین مصداق وجود دارد.

بنابراین افول آمریکا دارد تسریع می‌شود و این افول منجر به کاهش سلطه آمریکا شده، یعنی حرف و اقدام آمریکا دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و کشورها مسیرهای دیگری را برای خودشان پیدا می‌کنند. گرچه ممکن است روابط اقتصادی و سیاسی‌شان با آمریکا ادامه پیدا کند اما آن تمکینی که کشورهای منطقه قبلاً نسبت به دستورات آمریکا داشتند یا دیگر نیست یا خیلی کم شده است.